



## واکاوی نگرش های یادگیری عملی و یادگیری نظری در نظام آموزش و پرورش

اسماعیل مهدی زاده<sup>۱</sup>، جمیله پرسی<sup>۲</sup>، مهاجر نظرزاده<sup>۳</sup>، پاکیزه صیامی<sup>۴</sup>

۱- کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه آزاد واحد عجب شیر

۲- کارشناسی زبان انگلیسی دانشگاه تبریز

۳- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان یاسوج

۴- کارشناسی حسابداری دانشگاه پیام نور واحد خلخال

*Mehdizadeh.es@gmail.com*

### چکیده

هنگام مطالعه، درک عملی از موضوع و نحوه کاربرد نظریه‌ای که یادگیرندگان یاد می‌گیرند در موقعیت‌های واقعی زندگی بسیار مهم است. یادگیری عملی به یادگیرندگان امکان می‌دهد تا سازگاری‌های سریع مورد نیاز برای چالش‌ها و سناریوهای روزانه را بیاموزند و به آن‌ها امکان می‌دهد درک بهتری از موضوع دوره خود داشته باشند. از طریق یادگیری تجربی، یادگیرندگان خلاق‌تر و نوآورتر می‌شوند. آن‌ها فعالانه به دنبال راه‌هایی برای به کارگیری دانش خود و آزمایش نظریه‌های خود هستند. در محیط‌های یادگیری عملی، یادگیرندگان می‌توانند اشتباهات زیادی مرتکب شوند و از آنها درس بگیرند. یادگیری نظری یک سیستم آموزشی است که در آن یادگیرنده از طریق تئوری‌ها، اطلاعات، مفاهیم و حقایق در مورد یک موضوع دانش کسب می‌کند. گاهی دانش نظری می‌تواند پایه اولیه برای حرکت به سمت یادگیری عملی باشد. یادگیری تئوری همیشه با به‌خاطر سپردن اطلاعات همراه است. این نظریه‌ای است که یادگیرندگان آن را از طریق یادگیری کلاسی جذب می‌کنند. از طریق این شیوه آموزش، می‌توان مفهوم پشت یک اثر خاص را از طریق استدلال و منطق زیاد یاد گرفت. تنها زمانی می‌توان جنبه عملی یک نظریه را درک کرد که در ابتدا با غوطه‌ور شدن در حوضچه عمیق اطلاعات ارائه شده برای آن، پیچیدگی‌های نظریه را درک نمود. به عبارت ساده، یادگیری تئوری به یادگیرنده کمک می‌کند تا «چرا»ی یک موضوع خاص را به‌جای «چگونگی» انجام واقعی آن تحلیل کند. در این مطالعه به بررسی استدلال‌های همسو و غیرهمسو به یادگیری نظری و یادگیری عملی به روش تحلیلی توصیفی پرداخته شده است. در ادامه راه حل بهینه آموزشی برای این دو سبک یادگیری پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: یادگیری عملی، یادگیری تئوری، اهمیت یادگیری عملی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

هر دو روش تدریس اهمیت خاص خود را دارند؛ اما اکثر والدین در مورد آنها اطلاع چندانی ندارند. مدارس همچنین تمام تلاش خود را می‌کنند تا هر دو روش را در سیستم بکار گیرند تا بتوانند رویکردی جامع برای یادگیرندگان ارائه دهند. با وجود این معضل برای اکثر والدین، مدارس نیز در حال تغییر شیوه‌های تدریس خود به بهترین نوع هستند که باعث جذب تحصیل و پذیرش یادگیرندگان می‌شود. اما برای اینکه بدانیم چه رویکردی در این زمینه بهتر و مؤثرتر است، ابتدا باید بفهمیم که این دو نوع یادگیری شامل چه ویژگی‌هایی هستند، چه مزایا و معایبی دارند و چگونه قابل ترکیب برای دریافت بهترین نتیجه هستند (Wrenn and Wrenn, 2009).

دانش نظری در مورد موضوعات مبتنی بر مهارت باید توسط یادگیری مهارت عملی پشتیبانی شود. موضوعاتی مانند تدریس و مهندسی مبتنی بر مهارت هستند. در این موضوعات، دانش عملی مهم‌تر از دانش نظری است. کار عملی شامل آزمایش در آزمایشگاه‌ها، تورهای مطالعاتی، پروژه‌ها، تکالیف و غیره است. معلمان راهنما به بازیگران کلیدی در راه انتقال مهارت عملی به یادگیرندگان تبدیل شده‌اند. معلمان راهنما با دانش عملی خود از حرفه معلمی شناخته می‌شوند، که مکمل دانش نظری است که یادگیرنده از مدرسه کسب کرده است (Hidi, 2001).

هنگام مطالعه، درک عملی از موضوع و نحوه کاربرد نظریه‌ای که یادگیرندگان یاد می‌گیرند در موقعیت‌های واقعی زندگی بسیار مهم است. یادگیری عملی به یادگیرندگان امکان می‌دهد تا سازگاری‌های سریع مورد نیاز برای چالش‌ها و سناریوهای روزانه را بیاموزند و به آن‌ها امکان می‌دهد درک بهتری از موضوع دوره خود داشته باشند. از طریق یادگیری تجربی، یادگیرندگان خلاق‌تر و نوآورتر می‌شوند. آنها فعالانه به دنبال راه‌هایی برای به‌کارگیری دانش خود و آزمایش نظریه‌های خود هستند. در محیط‌های یادگیری عملی، یادگیرندگان می‌توانند اشتباهات زیادی مرتکب شوند و از آنها درس بگیرند (Giroux, 1986).

یادگیری نظری یک سیستم آموزشی است که در آن یادگیرنده از طریق تئوری‌ها، اطلاعات، مفاهیم و حقایق در مورد یک موضوع دانش کسب می‌کند. گاهی دانش نظری می‌تواند پایه اولیه برای حرکت به سمت یادگیری عملی باشد. یادگیرندگان و یادگیرندگان با مطالعه کتاب‌های درسی، فایل‌های PDF و مقالات، یادگیری تئوری را تمرین می‌کنند. یادگیری تئوری همیشه با به‌خاطر سپردن اطلاعات همراه است. این نظریه‌ای است که یادگیرندگان آن را از طریق یادگیری کلاسی جذب می‌کنند. از طریق این شیوه آموزش، می‌توان مفهوم پشت یک اثر خاص را از طریق استدلال و منطق زیاد یاد گرفت. تنها زمانی می‌توان جنبه عملی یک نظریه را درک کرد که در ابتدا با غوطه‌ور شدن در حوضچه عمیق اطلاعات ارائه شده برای آن، پیچیدگی‌های نظریه را درک نمود. به عبارت ساده، یادگیری تئوری به یادگیرنده کمک می‌کند تا «چرا» یک موضوع خاص را به‌جای «چگونگی» انجام واقعی آن تحلیل کند (Lave, 2009).

یادگیری تئوری اساساً این است که یادگیرندگان آنچه را که دیگران در طول عمر خود آموخته و تجربه کرده‌اند یاد می‌گیرند. این زمینه را به یادگیرندگان می‌دهد که «چرا» بسیاری از مردم کاری را که انجام می‌دهند، و اینکه چگونه بسیاری از موقعیت‌ها پیش می‌آیند. این شامل راه‌هایی برای انجام کارها به روش‌های جدید و نوآورانه است، اما همه اینها فقط یک نظریه مکتوب است. یادگیرندگان در نهایت در فرایند انجام آن افراط نمی‌کنند (Havnes, 2004).

دانش نظری همان چیزی است که در کتاب‌های درسی وجود دارد. می‌تواند توضیح دهد که چرا یک رویکرد بسیار موفق بود درحالی‌که دیگری موفق نبود. این به ما کمک می‌کند تا با ارزیابی انواع دیدگاه‌های ارائه شده توسط افراد مختلف، مسائل را با



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ذهنی باز تحلیل کنیم. یادگیرندگان از طریق تجربه یاد می‌گیرند؛ اما تجربه‌ای از خود ایجاد نمی‌کنند. یادگیرندگان فقط همه چیزهایی که نوشته شده را می‌فهمید و جذب می‌کنند (Lisko and O'dell, 2010).

وقتی وارد یک حالت یادگیری تئوری می‌شوند، هیچ مفهومی از یادگیری عملی در آن دخیل نیست؛ زیرا آنها دو روی یک سکه هستند. یادگیرندگان بدون داشتن یک رویکرد عملی به آنچه دقیقاً یاد می‌گیرند، یاد می‌گیرند. اگرچه نمی‌تواند تجربه عملی به ما بدهد، اما با ارتباط با آن و ساختن محیط عملی ما بر روی آن، پایه آن را تشکیل می‌دهد (Yardley et al., ۲۰۱۲).

در بیشتر مواقع، می‌توانند بدون پرداختن به یادگیری تئوری، مستقیماً به تجربه عملی بروند. این می‌تواند وضعیت را خراب کند و ممکن است به شکست ختم شود. تئوری‌ها راه را برای حرکت در مسیر درست هموار می‌کنند. بدون داشتن آن دانش نظری، ادامه کار عملی دشوار است و می‌توانند به بن‌بست برسند (Lisko and O'dell, 2010).

مهارت‌های عملی مهارت‌ها و درس‌هایی برای خودیاری و سازگاری در زندگی هستند که یادگیرندگان می‌توانند آنها را بیاموزند، به دیگران بیاموزند و هر روز تمرین کنند تا خود و دیگران را برای چالش‌های آینده آماده کنند. کسب دانش نظری مهم است؛ اما بدون دانش عملی مؤثر نخواهد بود. دانش عملی به فرد قدرت می‌دهد تا به چیزی برسد که در مورد آن مطالعه کرده است. شایان ذکر است که یادگیرندگان نه تنها در زندگی حرفه‌ای بلکه به‌طور کلی باید رویکرد عملی مناسبی برای زندگی خود داشته باشند. از این رو برای رشد و استفاده صحیح از دانش خود بسیار مهم است که یادگیرندگان نیز از مزیت عملی برخوردار باشند، در غیر این صورت وقتی نمی‌توانند آن را در عمل به کار ببرند. دنیای آموزش تغییر کرده است و در آموزش امروزی یادگیرنده بر یادگیری مهارت‌ها و کسب دانش تمرکز می‌کند. یادگیری عملی از بسیاری جهات جایگزین آموزش کتابی شده است. اگرچه آموزش نظری مهم است، اما آموزش عملی کلید درک بهتر و سازگاری در زندگی است. یادگیری‌های مبتنی بر مهارت یادگیرندگان را به افراد موفق تبدیل می‌کند. کار عملی در واقع می‌تواند یادگیری را در کلاس درس تسهیل کند. استفاده از یک فعالیت عملی می‌تواند به ساختار یک درس و بهبود مشارکت و حفظ دانش کمک کند. بسیاری از یادگیرندگان با انجام واقعی فعالیت‌ها آسان‌تر یاد می‌گیرند. یادگیری تجربی یادگیرنده را قادر می‌سازد تا بخش‌های خلاق مغز خود را درگیر کند و راه حل منحصر به فرد خود را برای مشکل یا کار جستجو کند. این حل خلاقانه مسئله و نتایج متنوع تولید شده، کلاس درس را به صورت کلی غنی می‌کند. از طریق یادگیری تجربی، یادگیرندگان خلاق‌تر و نوآورتر می‌شوند. آنها فعالانه به دنبال راه‌هایی برای به‌کارگیری دانش خود و آزمایش نظریه‌های خود هستند. در محیط‌های یادگیری عملی، یادگیرندگان می‌توانند اشتباهات زیادی مرتکب شوند و از آنها درس بگیرند. بدیهی است که برای هدایت یادگیری عملی، نقش معلمان غیر قابل انکار است و آنان هستند که می‌توانند راهنمای مناسبی برای یادگیرندگان در این مسیر باشند (Pritchard, 2017).

## مزایای یادگیری تئوری

با یادگیری تئوری، در مورد چیزهای جدید دانش کسب می‌کنند و در موارد قدیمی نوآوری می‌کنند. یادگیرندگان آن قدر محتوای درون ذهن خود دارند که می‌توانند با استدلال و استفاده از ارزیابی‌های منطقی کار با هر نوع موقعیتی را یاد بگیرند. ممکن است در ابتدا شکست بخورند، اما پس از آن دانش کافی دارند تا بدانند کجا اشتباه کرده‌اند و دوباره به پا بنشینند (علویان، ۱۳۹۶).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یادگیرندگان یاد می‌گیرند که به‌جای اینکه مستقیماً وارد آن شوند، هر چیزی را که می‌خوانند یا آموزش می‌بینند زیر سؤال ببرند. یادگیرندگان اطلاعات بیشتری را در یادگیری تئوری حفظ می‌کنند، زیرا با مطالب و اطلاعات زیادی سروکار دارند که ممکن است در تجربه عملی یادگیرندگان مفید باشد (Pritchard, 2017).

یادگیرندگان می‌توانند با یادگیری تئوری کنترل کاملی بر روند آموزش خود داشته باشند. هیچ محدودیتی در فرایند یادگیری یادگیرندگان وجود ندارد. یادگیرندگان می‌توانند هرچقدر که می‌خواهند یاد بگیرند یا هرچقدر که می‌خواهند کم بیاموزند. یادگیرندگان به‌راحتی می‌توانند تمام حقایق خود را پاک کنند و به‌جای استفاده از آن در یک سناریوی واقعی، به یادگیری توجه کنند. یادگیرندگان مجموعه‌ای از اطلاعات کافی برای شروع حرفه‌ای در زمینه دلخواه خود دارند (Moon, 2۰۱۳).

## شکل‌های یادگیری عملی

یادگیری عملی همان‌طور که از نامش به‌وضوح پیداست، یادگیری از طریق تجربه عملی و واقعی است. یادگیری از طریق انجام دادن به یادگیرندگان کمک می‌کند تا دانش و بینش بیشتری نسبت به مسائل کسب کنند. این نوعی یادگیری است که یادگیرندگان را برای دنیای واقعی آماده می‌کند تا دقیقاً بدانند در یک موقعیت خاص چه کاری انجام دهند (Heeneman et al., 2015).

یادگیری تجربی یک فرایند یادگیری است که در آن یادگیرندگان «با انجام دادن» و با تأمل در تجربه یاد می‌گیرند. فعالیت‌های یادگیری تجربی می‌تواند شامل، اما نه محدود به آزمایش‌های آزمایشگاهی عملی، دوره‌های کارآموزی، دوره‌های عملی و تمرین‌های میدانی باشد (Pritchard, 2017).

برنامه‌های یادگیری تجربی خوب برنامه‌ریزی شده، نظارت شده و ارزیابی شده می‌توانند با ترویج یادگیری بین‌رشته‌ای، مشارکت مدنی، توسعه شغلی، آگاهی فرهنگی، رهبری و سایر مهارت‌های حرفه‌ای و فکری، تحقیقات آکادمیک را تحریک کنند. هر چیزی که در یک محیط آموزشی عملی آموخته می‌شود، حفظ مادام‌العمر دانش را در برمی‌گیرد. همه چیز به شیوه‌ای کاملاً سرگرم‌کننده، نوآورانه، خارج از جعبه و جالب انجام می‌شود. در اینجاست که دانش نظری خود را مورد آزمایش قرار می‌دهند و از آن برای آزمایش آنچه آموخته‌اند استفاده می‌کنند (Hidi, 2001).

وقتی صحبت از دانش نظری به میان می‌آید، بیشتر درک پیشینه یک قطعه اطلاعات و آنچه در مورد آن صحبت می‌کند است. یادگیری عملی زمانی است که آن اطلاعات در یک مثال کاری قرار می‌گیرد. هنگامی که یادگیرندگان در واقع بر روی یک کار خاص عمل می‌کنند، منجر به تجزیه و تحلیل عمیق‌تری از مفهومی می‌شود که در محیط نظری خود آموخته‌اند.

چیزی که در یک آموزش عملی یاد می‌گیرند، به‌کاربردن هر چیزی است که در یک محیط نظری آموخته‌اند. در مورد «چگونگی» موقعیت‌ها به‌جای «چرا» صحبت می‌کند. عمیق‌تر از آنچه در کتاب درسی یادگیرندگان نوشته شده است می‌کاود و می‌تواند به یادگیرندگان در درک یک نظریه با تجربه عملی و عملی کمک کند (Giroux, 1986).

بهترین بخش در مورد آموزش عملی این است که یادگیرندگان بدون کتاب‌های درسی یا منابع علمی یاد می‌گیرند. برای امتحان نیازی نیست اطلاعاتی را جمع‌آوری کنند یا چیزی را حفظ کنند. همه چیز در قالب یک تجربه عملی است که در آن یادگیرندگان کارها را به‌تنهایی انجام می‌دهند. زمانی که به تجارب عملی خود ادامه می‌دهند، دانش بیشتری به دست می‌آورند (علویان، ۱۳۹۶).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این بیشتر یک محیط مبتنی بر مهارت است که در آن دانش یادگیرندگان از یک موضوع یا مهارت خاص مورد آزمایش قرار می‌گیرد. نحوه عملکرد یادگیرندگان در یک محیط یادگیری عملی، کارایی یادگیرندگان را تعیین می‌کند. این به ما می‌آموزد که چگونه در جریان حرفه‌ای که انتخاب می‌کنیم، از قبل اجرا کنیم. هیچ معلمی نمی‌تواند دانش عملی را به یادگیرندگان بیاموزد، زیرا از طریق تجربیات و آموخته‌های خودتان به دست می‌آید (دهدشتی شاهرخ و همکاران، ۱۳۹۶).

این روش یادگیری بیشتر بر روی فعالیت‌های روزانه تمرکز می‌کند که باعث می‌شود یادگیرندگان در کاری که انجام می‌دهند اطمینان بیشتری داشته باشند. بسیاری از چیزها در عصر امروز را می‌توان تنها از طریق تجربه عملی آموخت. ما به یک محیط یادگیری عملی نیاز داریم تا آنچه را که می‌آموزیم تقویت کنیم و برای بهتر شدن در آن تلاش کنیم. این امر آنچه را که یادگیری نظری به ما می‌آموزد تأیید می‌کند، اما درعین حال متوجه خواهند شد که این دو نوع یادگیری چقدر متفاوت هستند وقتی که در واقع هر دوی آنها را به طور جداگانه انجام دهند (Giroux, 1986).

تجارب به‌دقت برای پتانسیل یادگیری آنها انتخاب می‌شوند. یعنی آیا فرصت‌هایی را برای یادگیرندگان فراهم می‌کنند تا مهارت‌های نوظهور را تمرین کرده و تعمیق کنند، با موقعیت‌های بدیع و غیرقابل پیش‌بینی که از یادگیری جدید پشتیبانی می‌کند، یا از پیامدهای طبیعی، اشتباهات و موفقیت‌ها درس بگیرند (Havnes, 2004).

در طول فرایند یادگیری تجربی، یادگیرنده فعالانه درگیر طرح سوالات، تحقیق، آزمایش، کنجکاوی، حل مسائل، مسئولیت‌پذیری، خلاقیت و ساختن معنا است و درگیر ابتکار عمل، تصمیم‌گیری و پاسخگویی به نتایج است (Lisko and O'dell, 2010). (Lisko and O'dell, 2010).

تأمل در یادگیری در حین و پس از تجارب خود جزء جدایی‌ناپذیر فرایند یادگیری است. این بازتاب منجر به تجزیه و تحلیل، تفکر انتقادی و سنتز می‌شود. یادگیرندگان از نظر فکری، عاطفی، اجتماعی و/یا فیزیکی درگیر هستند که این تصور را ایجاد می‌کند که تکلیف یادگیری معتبر است (Yardley et al., 2012).

اصطلاح گسترده‌تری که برای توصیف فعالیت‌های یادگیری مبتنی بر تجربه استفاده می‌شود که اغلب اصطلاحات دیگری مانند آموزش مشارکتی، یادگیری خدماتی یا تجربیات میدانی را در بر می‌گیرد. این اغلب یک فعالیت دارای اعتبار و مستقل در زمینه موردعلاقه یک یادگیرنده است که به یک دوره نظری مرتبط نیست. معمولاً توسط یکی از اعضای مدرسه ارزیابی می‌شود و توسط کارفرمایی که عضو مدرسه نیست نظارت می‌شود. یادگیرنده ممکن است با متخصصان حرفه‌ای کار کند، یک پروژه را تکمیل کند، در رویدادهای عمومی شرکت کند، مصاحبه کند و افراد و کارمندان را مشاهده کند. ممکن است یادگیرنده برای این تجربه پولی دریافت کند یا نگیرد. هنگامی که یادگیرنده به یک دوره کلاس درس متصل می‌شود، ممکن است چندین ساعت در هفته را به‌صورت داوطلبانه در یک آژانس سپری کند، از فعالیت‌های مشترک درسی حمایت کند، یک متخصص در این زمینه را تحت‌الشعاع قرار دهد، یا افراد را در محیط طبیعی خود مشاهده کند. کلید این شکل از یادگیری تجربی نوعی بازتاب هدایت شده است. مأموریت این تجربه ممکن است حمایت از ادغام تئوری و عمل، کشف گزینه‌های شغلی، یا تقویت توسعه شخصی و حرفه‌ای باشد (Wrenn and Wrenn, 2009).

این اصطلاح برای نشان‌دادن تجربیات/پروژه‌های خدمات اجتماعی اختیاری یا موردنیاز خارج از کلاس که به دوره‌ها یا یک تجربه دارای اعتبار جداگانه پیوست شده است استفاده می‌شود. مکان ممکن است جامعه وسیع‌تری در خارج از مدرسه یا جامعه‌ای باشد که در فعالیت‌های برنامه درسی تعبیه شده است. در این تجربیات، یادگیرندگان در یک فعالیت خدماتی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سازمان یافته شرکت می‌کنند که نیازهای جامعه شناسایی شده را برآورده می‌کند و فعالیت خدماتی را برای درک بهتر محتوای دوره و کسب درک گسترده‌تر از رشته و احساس مسئولیت مدنی افزایش می‌دهد (Yardley et al., 2012).

## آموزش مشارکتی

عمدتاً بخشی از برنامه‌های حرفه‌ای است، یادگیرندگان تجربه کاری عملی مرتبط را در یک دوره چند ترم که درس آنها را پراکنده می‌کند، به دست می‌آورند. یادگیرندگان کار و تحصیل را به طور متناوب انجام می‌دهند، معمولاً چند هفته را در مطالعه (معمولاً تمام‌وقت) و تعدادی هفته را در کار خارج از مدرسه (معمولاً تمام‌وقت) می‌گذرانند. از طرف دیگر، آموزش مشارکتی ممکن است زمانی رخ دهد که یادگیرندگان هم‌زمان در کلاس‌های پاره‌وقت شرکت می‌کنند و در طول دوره‌های متوالی مدرسه به طور عمدی و هماهنگ در کلاس‌ها کار می‌کنند. یادگیرندگان زمانی برای آموزش مشارکتی اعتبار علمی دریافت می‌کنند که تجربیات با معیارهای اعتبار (یعنی نظارت عضو مدرسه، مؤلفه‌های بازتابی، شواهد یادگیری) مطابقت داشته باشند. هدف از این برنامه‌ها ایجاد مهارت‌ها و دانش شغلی یادگیرندگان است (Lisko and O'dell, 2010).

این یک تجربه کارآموزی است که به طور خاص تعریف شده است که در آن یادگیرندگان مهارت‌های آموزشی و تجربی آموخته شده را، اغلب در مراقبت‌های بهداشتی و محیط‌های قانونی، تحت نظارت یک پزشک معتبر تمرین می‌کنند. این اغلب یک دوره دارای اعتبار جداگانه است که به یک دوره نظری مرتبط یا یک تجربه اوج پس از رشته‌ای از دروس نظری مرتبط است (Havnes, 2004).

این تجربه مختص یادگیرندگانی است که در آموزش معلمان پیش از خدمت حرفه‌ای و پیش از خدمت در حال کسب تجربه موردنیاز و ارزیابی شده در تدریس تحت نظارت هستند (Pritchard, 2017).

این شکل از یادگیری تجربی معمولاً یک دوره یا تمرین یادگیرنده‌ای است که شامل تجربه عملی در یک محیط کاری (اعم از پولی یا بدون دستمزد) و همچنین مطالعه نظری، از جمله تجربه تحت نظارت به‌عنوان بخشی از آموزش حرفه‌ای قبل از خدمت است (Moon, 2013).

تحقیق یا تمرین یادگیرنده‌ای تحت نظارت که دور از مؤسسه و در تماس مستقیم با مردم، پدیده‌های طبیعی یا سایر نهادهای مورد مطالعه انجام می‌شود. کار میدانی به‌ویژه در زمینه‌هایی از جمله مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مددکاری اجتماعی، علوم زمین و مطالعات محیطی فراوان است (Heeneman et al., 2015).

## مزایای یادگیری عملی

آموزش عملی شامل یادگیری تجربی و عملی است. با آزمایش و درس گرفتن از اشتباهات گذشته، یادگیرندگان را تشویق می‌کند که مستقل باشند و به‌تنهایی کار کنند. یادگیرندگان با ابزارها یا تجهیزاتی که ممکن است در آینده در هنگام کار نیاز به استفاده از آنها داشته باشند بیشتر آشنا می‌شوند. همان‌طور که در تجربه یادگیری عملی خود به آزمایش ادامه می‌دهند، در طول زمان به دلیل کارهای تکراری کارآمدتر و اعتمادبه‌نفس بیشتری خواهند داشت. این یک تغییر از یادگیری تئوری است که یکنواخت در نظر گرفته می‌شود و گاهی اوقات می‌تواند خسته‌کننده باشد. یادگیری عملی محیطی سرگرم‌کننده، نوآورانه و جالب برای رشد و یادگیری فراهم می‌کند (Moon, 2013).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بدون یادگیری عملی، نمی‌توان آنچه را که مطالعه می‌کنند در یک سیستم آموزش نظری به کاربرد. یادگیرندگان برای سناریوهای زندگی واقعی آماده هستند و می‌دانند که اگر تجربه عملی در آن دارند چگونه روی یک موقعیت یا چالش خاص کار کنند. با دانش نظری صرف، یادگیرندگان نمی‌توانند همین کار را انجام دهند (Lave, 2009).

دانش آموخته شده در یک موقعیت عملی به احتمال زیاد برای همیشه با یادگیرندگان باقی می‌ماند زیرا می‌توانند هر کاری را که از طریق قرار گرفتن در معرض انجام داده‌اند حفظ کنند. وقتی یادگیرنده‌ی کاری را با استفاده از ذهن و دست خود انجام می‌دهد، مطمئناً بهتر از زمانی که کسی چیزی به او آموزش می‌دهد یا اطلاعاتی را می‌خواند، به‌خاطر می‌آورد.

در یک محیط یادگیری نظری، معلمی دارند که صحبت می‌کند درحالی‌که یادگیرندگان باید گوش کنند و جذب کنند. آموزش عملی شامل مشارکت کامل یادگیرندگان، پرسیدن سؤال، تجزیه و تحلیل، آزمایش و مشارکت فعال است که در نهایت می‌تواند به کمال در یک کار منجر شود. یک ضرب‌المثل معروف و رایج می‌گوید که "تمرین انسان را کامل می‌کند". اگر این درست است، پس یادگیری عملی به‌صورت مکرر می‌تواند یادگیرندگان را در هر کاری که برای آن تلاش می‌کنند کامل کند (Moon, 2013).

آموزش عملی یا کارآموزی به شرکت‌کنندگان اجازه می‌دهد تا دانش و توانایی‌های عملی ارائه شده توسط دنیای حرفه‌ای که می‌خواهند بخشی از آن باشند را به دست آورند و درعین‌حال رزومه خود را بهبود بخشند. اگرچه ممکن است دانش نظری در مورد موضوعات و موضوعات داشته باشند، اما هنوز کافی نیست. یادگیرندگان نمی‌توانند فقط با دانش تئوری به ارتفاعات شغلی برسند. داشتن دانش عملی در کنار برخی مفاهیم نظری بسیار مهم است. بدون دانش عملی، کارها واقعاً ناقص هستند (Heeneman et al., 2015).

داشتن دانش عملی مناسب به یادگیرندگان این فرصت را می‌دهد تا با پاسخ مناسب به یک پیشنهاد شغلی آینده، پتانسیل حرفه‌ای خود را به سازمان نشان دهند. اگر مهارت‌های حرفه‌ای عالی داشته باشند، برای ورود به یک زندگی حرفه‌ای مشکلی نخواهند داشت. همچنین، مواجهه با این گذار برای یادگیرنده بسیار آسان خواهد بود از یک زبان‌آموز گرفته تا حرفه‌ای زمانی که از تمام حقایق مرتبط با موضوعات خود آگاهی کافی داشته باشد. اگر دانش عملی خوبی داشته باشند، تمایل دارند که یادگیرندگان سالمندان را تحت تأثیر قرار دهند و این شانس را دارند که در بین بهترین کارمندان سازمان خود باشند. به یاد داشته باشند که اولین تأثیر آخرین است و اگر در کار خود موفق باشند اولین تأثیر را به دست آورند، تمایل به جلب اعتماد سالمندان خود و همچنین برخی نکات مفید از آنها دارند (Moon, 2013).

یادگیرندگان این فرصت را دارند که واقعیت کار را در دانش نظری به‌دست‌آمده در کلاس درس به کار ببرند، بنابراین یک تجربه حرفه‌ای جدید را به رزومه خود اضافه کنند. از این‌رو داشتن دانش عملی خوب یا دوره‌های کارآموزی می‌تواند به یکی از نکات برجسته رزومه یادگیرندگان تبدیل شود. در طول مصاحبه، به‌وضوح می‌توانند با صحبت کردن در مورد تجربه عملی خود تأثیر خوبی داشته باشند و این واقعیت که قبلاً یک موقعیت عملی را مدیریت کرده‌اند، می‌تواند برای یادگیرندگان در یافتن شغل مفید باشد. امروزه رقابت بسیار زیاد است و برای کسب شغل بر اساس تحصیلات خود کافی نیست. زمان تغییر کرده است و سازمان‌ها به دنبال افراد با استعدادی هستند که بتوانند بدون اتلاف وقت و هزینه برای آموزش کار را به طور مؤثر انجام دهند (Wrenn and Wrenn, 2009).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یادگیرندگانی که وارد زندگی حرفه‌ای می‌شوند واقعاً از کار رسمی خسته می‌شوند، اگر تازه‌وارد چنین رفتاری شوند. داشتن دانش قبلی نه تنها کار یادگیرندگان را آسان می‌کند، بلکه تمایل دارند از کاری که انجام می‌دهند لذت ببرند. اگر تجربه قبلی از برخی کارهای عملی داشته باشند، همه چیز در زندگی یادگیرندگان کاملاً سازماندهی شده است. دانش عملی چیزی است که بسیاری از یادگیرندگان کم دارند، به همین دلیل آنها نمی‌توانند شغل خود را به خوبی درک کنند و تمایل به اشتباه دارند و این رفتار ممکن است منجر به احساس بی‌حوصلگی از شغل یادگیرندگان شود. داشتن دانش عملی باعث می‌شود چیزها برای یادگیرندگان جالب باشد (Wrenn and Wrenn, 2009).

فرایند فکر یادگیرندگان در این فرایند به آرامی بالغ می‌شود. بذر آموزش عملی باید از همان ابتدا کاشته شود. یک یادگیرنده یک رویکرد عملی را درک می‌کند و از آن استفاده می‌کند که سبک یادگیری او را تغییر می‌دهد. این روش یادگیری عملی سطح اعتماد به نفس یادگیرندگان را نیز افزایش می‌دهد (Heeneman et al., 2015).

یادگیری عملی یک ابزار قدرتمند حافظه است. همیشه گفته و ثابت شده است که وقتی به تنهایی کاری را انجام می‌دهند بهتر به یاد می‌آورند. با تمرین و تجربه خوب، حافظه عالی به دست می‌آید. بیایید مثالی از رانندگی با ماشین بزنیم. وقتی در حین رانندگی یاد بگیرند و آن را به خوبی تمرین کنند، می‌توانند آن را بهتر یاد بگیرند (Lave, 2009).

در آموزش نظری، یادگیرندگان منفعل و دیرآموز هستند. بسیاری از یادگیرندگان در به خاطر سپردن شکست می‌خورند و اغلب در نهایت یادداشت‌های خود را دزدیده می‌کنند. از سوی دیگر، آموزش عملی باعث می‌شود یادگیرندگان مفاهیم را در سطوح مختلف درک کنند. از یادگیرندگان زبان‌آموزان فعال می‌سازد. در فرایند فکر نیز همیشه وضوح وجود خواهد داشت (Havnes, 2004).

دانش کتابی به یادگیرندگان کمک می‌کند تا در یک امتحان موفق شوند، اما برای انجام یک کار به مهارت‌های مناسب نیاز دارد. چرا کارمندان جدید قبل از شروع کارشان آموزش می‌بینند؟ تا قبل از شروع کار، مهارت‌های خود را تقویت کنند و اصول اولیه خود را تقویت کنند. مهارت‌ها نقش عمده‌ای در رشد فرد دارند. این رویکرد عملی باعث تقویت مهارت‌های تحلیلی یادگیرندگان می‌شود. بهتر می‌توانند بفهمند و تحلیل کنند.

شعار اصلی یادگیری عملی این است که یادگیرندگان را به فردی بهتر تبدیل کند. اگر از نظر تئوری قوی باشند، فقط کارمندی خواهند بود که می‌داند چگونه کار کند. اما اگر به اندازه کافی توانایی مدیریت و حل مشکلات زندگی واقعی و مقابله با موقعیت‌ها را داشته باشند، می‌توانند رئیس شوند. این تفاوت بین کارمند و رئیس است. اگر یادگیرندگان از سنین پایین در معرض یادگیری عملی قرار گیرند، بعداً آن را در شغل خود به کار خواهند برد و در کاری که انجام می‌دهند، حرفه‌ای خواهند شد (Yardley et al., 2012).

یک سخنرانی کلاسی یا یک سفر میدانی. برای یادگیرندگان، یادگیری باید جالب و سرگرم‌کننده باشد. یادگیری و امتحانات در کلاس درس یادگیرندگان را تحت فشار قرار می‌دهد. یادگیری در مورد نمرات و اهداف نیست. یک محیط آموزشی باید ایجاد شود که در آن آنها بتوانند عملاً آنچه را که در کلاس گوش داده‌اند درک کنند. به عنوان مثال، یک کلاس شیمی زمانی جالب‌تر می‌شود که یادگیرندگان به آزمایشگاه برده می‌شوند تا بتوانند واکنش‌ها را درک کنند (Lave, 2009).

آموزش عملی مانند آموزش نظری که در آن یادگیرندگان با سخنرانی تغذیه می‌شوند، یک‌طرفه نیست. وقتی یادگیرندگان به تنهایی فکر می‌کنند و می‌فهمند، با تردیدهای زیادی مواجه می‌شوند. روشن کردن شبهات و تبدیل آن به یک جلسه تعاملی





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به یادگیرندگان کمک می‌کند تا بیشتر درک کنند. ورودی‌های یادگیرندگان منبع بزرگی برای درک سطح تفکر آنها است. معلمان حتماً باید جلسات تعاملی را در آموزش عملی بگنجانند (Havnes, 2004).

## دانش عملی در کنار دانش نظری

وقتی صحبت از دانش می‌شود، انواع مختلف دانش و راه‌های متفاوتی برای کسب هر نوع وجود دارد. یک طرف نظریه و طرف دیگر کاربرد عملی نظریه است. ما نمی‌توانیم این یا آن شکل را کنار بگذاریم. هر دو نوع دانش مهم هستند و هر دو یادگیرندگان را در هر کاری که انجام می‌دهند بهتر می‌کنند. دانش نظری یا عملی، هر دو مهم هستند. هر دو دست در دست یکدیگر کار می‌کنند و حتی اگر تصمیم به مصالحه در یک‌شکل داشته باشیم، خطرات زیادی در ارتباط با حرفه یادگیرندگان وجود دارد. کسانی که واقعاً می‌خواهند در زندگی تا حد زیادی پیشرفت کنند، باید دانش را در هر دو انتهای طیف کسب کنند و آن را از راه‌های مختلف کسب کنند. غفلت از یک فرد نیز می‌تواند ضایعه بزرگی باشد (Giroux, 1986).

دانش نظری به اندازه دانش عملی مهم است. بدون داشتن دانش نظری مناسب، دانش عملی ممکن است گاهی خطرناک باشد. همان‌طور که می‌گویند، دانش اندک چیز خطرناکی است. دانش نظری و یادگیری جزء ضروری دانش تخصصی است. یادگیری رسمی معمولاً در یک چارچوب آموزشی تجویز شده و در یک رویداد آموزشی سازماندهی شده در حضور معلم خصوصی رخ می‌دهد که خود باید شفافیت حقایق را داشته باشد. به همین دلیل دانش نظری معمولاً با مطالعات نظری به دست می‌آید. تئوری به‌طور کلی به ما می‌آموزد "چرا". این به یادگیرندگان کمک می‌کند بفهمند که چرا یک تکنیک کار می‌کند در حالی که دیگری شکست می‌خورد. دانش نظری عموماً در خدمت تمرکز بر ارائه دانش کامل است که زمینه را ایجاد می‌کند و به یادگیرندگان کمک می‌کند تنظیم کنند یک استراتژی برای مقابله با کاربرد عملی دانش نظری اغلب می‌تواند به درک عمیق‌تری از یک مفهوم از طریق دیدن آن در چارچوب یک کل بزرگ‌تر و درک چرایی پشت آن منجر شود، اما باز هم عملی بررسی بسیار گسترده‌تری از حقایق را ارائه می‌دهد (Giroux, 1986).

دانش عملی یا غیررسمی خود را به‌صورت مهارت یا «دانش» نشان می‌دهد. دانش عملی برای درک اینکه چگونه کارها واقعاً کار می‌کنند بسیار مهم است. همان‌طور که در موقعیت‌های مشخصی که آموخته می‌شود رخ می‌دهد و توسعه می‌یابد، ماهیت متنی و اجتماعی دارد و به یادگیرندگان کمک می‌کند تکنیک‌های خاصی را که ابزار تجارت یادگیرندگان می‌شوند، به دست آورند. دانش عملی به درک بسیار عمیق‌تری از یک مفهوم از طریق عمل انجام دادن و تجربه شخصی منجر می‌شود. معلوم شده است که دانش عملی بسیار مفید است در کار روزانه واقعی ما چیزهای زیادی وجود دارد که فقط از طریق انجام دادن و تجربه کردن می‌توانند یاد بگیرند. مهم نیست که چقدر سعی می‌کنند آن را از طریق روش‌های نظری یاد بگیرند. به‌عنوان مثال، اگر سعی کنند رانندگی با ماشین را به روش‌های تئوری بیاموزند، احتمالاً تمام زندگی خود را صرف یادگیری خواهند کرد و باز هم نمی‌توانند بدون آموزش عملی مناسب رانندگی کنند، بنابراین عملی بودن ضروری است. در جایی که تئوری اغلب در ایده تدریس می‌شود، عملی از طریق واقعیت زندگی آموخته می‌شود (Lisko and O'dell, 2010).

هر دو مورد فوق مهم هستند. یادگیرندگان در هیچ شغلی زنده نخواهند ماند مگر اینکه بتوانند نتیجه بگیرند و برای انجام آن به دانش عملی نیاز دارند. هیچ اجتنابی از هیچ یک از اینها وجود ندارد. درعین حال یادگیری نحوه حل یک مشکل خاص فقط به یادگیرندگان می‌آموزد که چگونه همان مشکل را دوباره حل کنند. تمرین فقط می‌تواند یادگیرندگان را تا این حد طولانی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کند. تئوری به یادگیرندگان کمک می‌کند تا آنچه را که در حل یک مسئله آموخته‌اند در مسائل مختلف به کار ببرند و عملی کاربرد مبانی نظری در واقعی است. تفاوت اساسی دانش نظری و دانش عملی در این است که تئوری از طریق تجربه دیگران به یادگیرندگان می‌آموزد، از طرف دیگر در عمل یادگیرندگان تمایل دارند با تجربه خود در مورد کار خاص یاد بگیرند (دهدشتی شاهرخ و همکاران، ۱۳۹۶).

دانش نظری خود دانش را تشکیل می‌دهد و مستلزم تمام اطلاعات در مورد یک موضوع است، درحالی‌که دانش عملی همان چیزی است که وقتی همان دانش نظری در سناریوهای زندگی واقعی اعمال می‌شود، به دست می‌آورند. یادگیری تئوری و عملی به ترتیب اهمیت خاص خود را دارند اما می‌توانند دست‌به‌دست هم بدهند (Heeneman et al., 2015).

اگر یادگیری عملی را با یادگیری نظری ترکیب کنیم، به مردم توضیح واضحی در مورد چرایی و چگونگی که هر دو برای آموزش مورد نیاز هستند، می‌دهد. این تئوری به یادگیرندگان یاد می‌دهد که چگونه یک شخصیت بزرگ چیزی شکفت‌انگیز را تجربه می‌کند و تمرین به یادگیرندگان کمک می‌کند در جایگاه آن شخصیت بزرگ باشند تا خودتان آن را تجربه کنند.

ما می‌توانیم یادگیری نظری را ناملموس بنامیم؛ زیرا صرفاً در ذهن یادگیرندگان است، درحالی‌که یادگیری عملی ملموس است؛ زیرا در دستان یادگیرندگان است، می‌توانند آن را احساس و تجربه کنند. با ورود این دنیا به حالت آنلاین و پیشرفت یادگیرندگان در فناوری، آنها به همه چیز در اینترنت دسترسی دارند. وبسایت‌ها تجربیات نظری و عملی را نیز در اختیار یادگیرندگان قرار می‌دهند (Lave, 2009).

بنابراین، هر دو تجربه یادگیری به یک اندازه مهم هستند و دست‌به‌دست هم می‌دهند. اگرچه قطب‌ها از هم جدا هستند، اما دو روی یک سکه هستند. بدون دیگری، مهم است که رویکردی جامع به آموزش داشته باشیم. هر دو مهارت برای پیشرفت در هر زمینه‌ای لازم است. هر اطلاعاتی که از طریق یادگیری تئوری به دست می‌آورند، باید به درستی در یک سناریو عملی مورد استفاده قرار گیرد (Havnes, 2004).

## نتیجه‌گیری

دانش عملی باعث پیشرفت یادگیری تجربی می‌شود. دانش عملی از خودآموزی حمایت می‌کند. دانش عملی به یادگیرندگان کمک می‌کند تا با انتظاراتی که از آنها می‌رود آشنا شوند. کار عملی در واقع می‌تواند یادگیری را در کلاس درس تسهیل کند. استفاده از یک فعالیت عملی می‌تواند به ساختار یک درس و بهبود مشارکت و حفظ دانش کمک کند چرا که بسیاری از یادگیرندگان با انجام واقعی فعالیت‌ها آسان‌تر یاد می‌گیرند.

یادگیری عملی از طریق انجام کارها به دست می‌آید و بر اساس تعهدات و وظایف واقعی زندگی است و به علاوه مشارکت یادگیرندگان در کار عملی بیشتر است چرا که کار عملی مکمل نظریه است. تکالیف عملی اغلب به صورت گروهی انجام می‌شود و به تلقین ارزش‌های اجتماعی مانند اشتراک‌گذاری، همکاری، روحیه تیمی، شفقت و مانند آن کمک می‌کند.

درک نحوه ترکیب یادگیری تئوری و عملی برای همه معلمان ضروری است تا به بهترین نحو تعیین کنند که کدام راهبردهای آموزشی به بهترین وجه به یادگیرندگان با استعداد‌های مختلف خدمت می‌کند و چگونه می‌توان محیط‌های یادگیری را ساخت تا به بهترین شکل استعداد‌های مختلف و نیازهای یادگیری آنها را پوشش دهد.



## منابع

- ۱- دهدشتی شاهرخ، زهره، جبارزاده کرباسی، بهرام، ساسانیان اصل، زهرا. (۱۳۹۶). راهبرد پژوهش عملی و نقش آن در یادگیری و کیفیت فرایندهای مدیریتی. مهارت آموزی، ۲۰(۵)، ۴۵-۶۶.
- ۲- علویان، فیروزه. (۱۳۹۶). بهره گیری از رویکرد تجربی - حسی در فرایند یادگیری، پویش در آموزش علوم پایه، ۳(۸)، ۱-۱۳.
- ۳- Giroux, H. A. (1986). Authority, intellectuals, and the politics of practical learning. Teachers college record, 88(1), 22-40.
- ۴- ـــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــ. (۲۰۰۱). ـــــــــــــــــــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــــــــــــــــــg, and learning: Theoretical and practical considerations. Educational psychology review, 13(3), 191-209.
- ۵- Wrenn, J., & Wrenn, B. (2009). Enhancing learning by integrating theory and practice. International Journal of Teaching and learning in higher education, 21(2), 258-265.
- ۶- Yardley, S., Teunissen, P. W., & Dornan, T. (2012). Experiential learning: transforming theory into practice. Medical teacher, 34(2), 161-164.
- ۷- Disko, S. A., & O'dell, V. (2010). Integration of theory and practice: Experiential learning theory and nursing education. Nursing education perspectives, 31(2), 106-1۰۸.
- ۸- ـــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــ. (۲۰۰۴). ـــــــــــــــــــــــــــــــــ ـــــــــ ـــــــــــــــــــــــــ: ـــــــــ ـــ ـــــــــــــــــــــــــ ـــــــــ ـــــــــ relationship between assessment and educational practice. Assessment & Evaluation in Higher Education, 29(2), 159-176.
- ۹- ـــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــ. (۲۰۰۹). ـــــــــ ـــــــــــــــــــــــــ ـــــــــ ـــــــــــــــــــــــــ. ـــــــــ ـــ ـــــــــــــــــــــــــ ـــــــــ ـــــــــــــــــــــــــ (ـــــــــ. ۲۰۸-۲۱۶). ـــــــــــــــــــــــــــــــــ.
- ۱۰- ـــــــــــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــــــــــ ـــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــ، ـــــــــ ـــــــــ ـــــــــــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــ، ـــــــــ ـــــــــــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــ. (2015). The impact of programmatic assessment on student learning: theory versus practice. Medical education, 49(5), 487-498.
- ۱۱- ـــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــ. (۲۰۱۳). ـــــــــــــــــــــــــــــــــ ـــــــــ ـــــــــــــــــــــــــ ـــــــــ ـــ ـــــــــــــــــــــــــــــــــ: ـــــــــــــــــ ـــــــــ practice. Routledge.
- ۱۲- ـــــــــــــــــــــــــ، ـــــــــــــــــ. (۲۰۱۷). ـــــــــ ـــــــــ ـــــــــــــــــــــــــ: ـــــــــــــــــــــــــ ـــــــــــــــــــــــــ ـــــــــ ـــــــــ ـــــــــــــــــــــــــ. ـــــــــــــــــــــــــ.